

مجله علوم تربیتی (علوم تربیتی و روان‌شناسی)
دانشگاه شهید چمران اهواز، پاییز ۱۳۸۷
دوره‌ی چهارم، سال پانزدهم، شماره‌ی ۳
صص: ۷۵-۹۸

تاریخ دریافت مقاله: ۸۷/۰۷/۰۹
تاریخ بررسی مقاله: ۸۷/۰۸/۱۱
تاریخ پذیرش مقاله: ۸۸/۱۲/۰۳

تحلیلی بر پیامدهای افزایش میزان قبولی زنان در دانشگاه‌ها

غلامحسین رضایت*

دکتر قربانعلی سلیمی**

دکتر رسول ربانی***

چکیده

در سال‌های دهه‌ی هفتاد شاهد رشد فزاینده‌ی حضور زنان در سطوح مختلف آموزش عالی و افزایش میزان پذیرش آنان به بیش از ۵۰ درصد بوده‌ایم؛ هدف این پژوهش بررسی نتایج و پیامدهای این پدیده در چهار زمینه‌ی نظام آموزش عالی کشور، مقوله‌ی اشتغال زنان، نهاد خانواده و موقعیت و پایگاه اجتماعی زنان است. روش کار ما در این پژوهش روش توصیفی-پیمایشی و جامعه آماری آن نیز اعضای هیأت علمی دانشگاه اصفهان بوده است. برای جمع‌آوری اطلاعات از دو روش، کمی (پرسشنامه محقق ساخته) و کیفی (مصاحبه‌ی نیمه سازمان یافته) استفاده گردید. یافته‌های تحقیق نشان داد که افزایش میزان قبولی زنان از نظر اعضای نمونه، بر هر ۴ مؤلفه‌ی پژوهش، بیش از حد متوسط تأثیر دارد، لیکن میزان تأثیر بر مؤلفه‌ها یکسان نبوده و بیشترین میزان تأثیر بر موقعیت و پایگاه اجتماعی زنان با میانگین ۳/۷۶ و کمترین تأثیر بر نظام آموزش عالی با میانگین ۳/۱۶ می‌باشد.

واژه‌های کلیدی: زنان، اشتغال، پایگاه اجتماعی، آموزش عالی

* دانشجوی دکتری مدیریت آموزشی، gh_rezayat@yahoo.com
** دانشیار گروه علوم تربیتی دانشگاه اصفهان، ghorbanalisalimi@yahoo.com
*** استادیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه اصفهان، Rassol_Rabani@yahoo.com

مقدمه

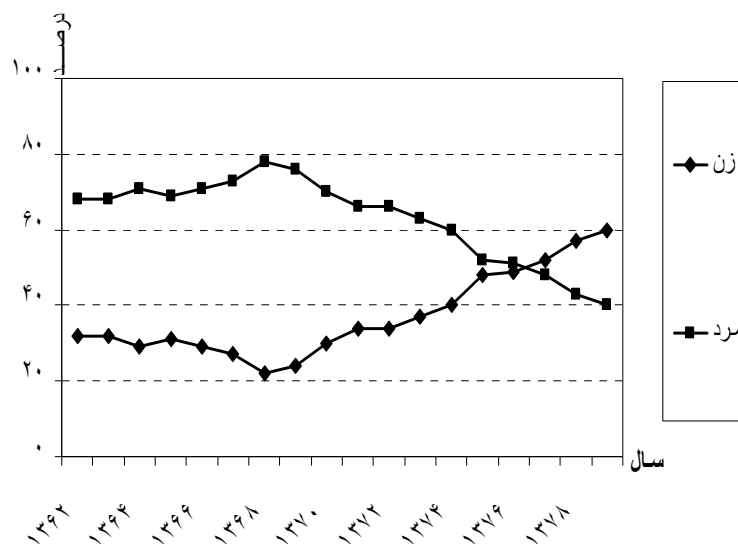
آموزش عالی یکی از عناصر و زیر ساخت‌های اصلی توسعه، بخصوص توسعه انسانی در هر کشور به شمار می‌رود؛ نگاه اجمالی به تاریخچه‌ی آموزش عالی در ایران نشان می‌دهد تأسیس نظام آموزش عالی در ایران به شکل امروزی آن با تشکیل دارالفنون توسط امیرکبیر در سال ۱۲۶۸ هجری قمری آغاز و پس از آن حدود نیم قرن طول کشید، تا در سال ۱۳۱۳ خورشیدی دانشگاه تهران تأسیس شد. بررسی توزیع دانشجویان^۱ برحسب جنسیت نشان می‌دهد که از ابتدای تأسیس نظام آموزش عالی در ایران تاکنون این توزیع دارای تغییرات قابل توجهی بوده است، در اولین سرشماری عمومی نفوس و مسکن کشور در سال ۱۳۳۵ خورشیدی نسبت دانشجویان دختر بود، به صد هزار نفر جمعیت ۲۰ تا ۲۹ ساله کشور، ۶۲ نفر و تعداد دانشجویان پسر حدود هشت برابر دانشجویان دختر بود. در سال تحصیلی ۴۹-۱۳۴۸ نسبت دانشجویان دختر حدود ۲۵ درصد و در سال تحصیلی ۵۸-۱۳۵۷ به ۳۰/۸ درصد از کل دانشجویان کشور رسید. یکی از تحولات دهه‌های اخیر در ایران، افزایش میزان مشارکت زنان در آموزش عالی و پیشی گرفتن آنان بر دانشجویان پسر بوده است. آمارها نشان می‌دهند، در سال ۱۳۷۵ نسبت زنان دارای تحصیلات عالی ۴/۶۵ درصد از کل زنان باسواد کشور بوده، در صورتی که این نسبت در سال ۶۵ فقط ۲/۲۰ درصد از کل زنان کشور را در بر می‌گرفته است، با توجه به ارقام مذکور فراوانی نسبی زنان دارای تحصیلات عالی در کل کشور طی دهه ۷۵-۱۳۶۵ به طور نسبی ۱۱۱/۴ درصد افزایش یافته و بیش از دو برابر گردیده است. آمارهای موجود نشان می‌دهد، تعداد دانشجویان دختر، طی سالهای ۶۷-۱۳۵۷ سی درصد و در سال ۱۳۷۷ به ۳۸/۲ درصد کل دانشجویان رسیده است. در صورتی که موضوع را از منظر تعداد پذیرفته‌شدگان کنکور طی سال‌های دهه ۱۳۷۰ بررسی کنیم، آمارها نشان می‌دهند که تعداد پذیرفته‌شدگان دختر، از ۳۷/۴ درصد در سال ۱۳۷۳ به ۵۲ درصد در سال ۱۳۷۷ و در سال‌های بعد این میزان تا بیش از ۶۰ درصد افزایش یافت، این در حالی است که طی همین سال‌ها، جمعیت پذیرفته‌شدگان پسر از ۶۷/۷ درصد به ۳۸ درصد کاهش یافته است. جدول و

۱ - منبع آمارهای این قسمت، مرکز آمار ایران و کتاب آمار آموزش عالی ایران می‌باشد.

نمودار (۱) وضعیت پذیرفته‌شدگان آموزش عالی در دانشگاه‌های دولتی را در سال‌های ۷۹-۱۳۶۲ بر حسب جنسیت نشان می‌دهد.

جدول ۱. آمار پذیرفته‌شدگان دانشگاه‌های دولتی بر حسب جنسیت از سال ۱۳۶۲-۱۳۷۹
منبع: سازمان سنجش آموزش کشور

سال	زن	نسبت زنان	مرد	نسبت مردان	جمع
۱۳۶۲	۱۰۴۹۶	۰/۳۲	۲۲۱۰۴	۰/۶۸	۳۲۶۰۰
۱۳۶۳	۱۱۴۷۷	۰/۳۲	۲۴۳۸۱	۰/۶۸	۳۵۸۵۸
۱۳۶۴	۱۳۰۷۶	۰/۲۹	۳۱۳۹۹	۰/۷۱	۴۴۴۷۵
۱۳۶۵	۱۹۴۱۶	۰/۳۱	۴۲۴۰۰	۰/۶۹	۶۱۸۱۶
۱۳۶۶	۱۸۵۱۹	۰/۲۹	۴۵۵۳۱	۰/۷۱	۶۴۰۵۰
۱۳۶۷	۱۶۹۹۸	۰/۲۷	۴۶۸۷۷	۰/۷۳	۶۳۸۷۵
۱۳۶۸	۱۱۹۲۲	۰/۲۲	۴۲۶۶۸	۰/۷۸	۵۴۵۹۰
۱۳۶۹	۱۳۵۸۰	۰/۲۴	۴۲۹۷۲	۰/۷۶	۵۶۵۵۳
۱۳۷۰	۲۵۴۱۰	۰/۳۰	۵۸۶۸۸	۰/۷۰	۸۴۰۹۸
۱۳۷۱	۴۱۳۲۴	۰/۳۴	۷۹۲۷۷	۰/۶۶	۱۲۰۶۰۱
۱۳۷۲	۴۵۰۹۲	۰/۳۴	۸۶۰۳۵	۰/۶۶	۱۳۱۱۲۷
۱۳۷۳	۴۶۲۱۰	۰/۳۷	۷۷۵۲۷	۰/۶۳	۱۲۳۷۳۷
۱۳۷۴	۴۸۴۹۴	۰/۴۰	۷۲۲۶۲	۰/۶۰	۱۲۰۷۵۶
۱۳۷۵	۶۲۳۷۱	۰/۴۸	۶۸۵۱۰	۰/۵۲	۱۳۰۸۸۱
۱۳۷۶	۶۷۳۵۶	۰/۴۹	۶۸۹۹۱	۰/۵۱	۱۳۶۳۴۷
۱۳۷۷	۷۳۴۶۵	۰/۵۲	۶۷۷۹۰	۰/۴۸	۱۴۱۲۵۵
۱۳۷۸	۸۲۵۲۴	۰/۵۷	۶۲۶۰۰	۰/۴۳	۱۴۵۱۲۴



نمودار ۱. درصد پذیرفته‌شدگان دانشگاه‌های دولتی بر حسب جنسیت در سال‌های

۱۳۶۲ - ۱۳۷۹

از آنجا که موضوع این پژوهش، مربوط به زنان یعنی نیمی از بیکره اجتماع است که نقشی عظیم در سازندگی و پرورش نیمه دیگر جامعه به عهده دارند، انجام دادن یک تحقیق علمی به منظور پیشگیری از برخوردهای احساسی، مقطعی و زود گذر با این پدیده‌ی اجتماعی و پیامدها و نتایج آن و تصمیم‌سازی و برنامه‌ریزی و برخورد صحیح با نتایج و پیامدهای آن ضروری به نظر می‌رسد. گذشته از اینها، اظهارنظرها و برخوردهای متفاوت برخی در خصوص افزایش حضور زنان در مراکز آموزش عالی ضرورت انجام گرفتن این پژوهش را دو چندان کرده است. در برخورد با افزایش حضور زنان در دانشگاه‌ها عده‌ای آن را کاملاً مثبت و مفید ارزیابی کرده و آن را یک فرصت برای توسعه‌ی جامعه تلقی نموده‌اند و در مقابل عده‌ای آن را به باد انتقاد گرفته و با بیان پیامدهای منفی، آن را مقدمه‌ی یک بحران اجتماعی می‌دانند. بروز برخوردهای کاملاً متفاوت و دوگانه با این موضوع، نشان می‌دهد که باید برخوردها با این پدیده‌ی اجتماعی اصلاح شود. لذا مساله اصلی تحقیق حاضر آنست که ورود زنان به آموزش

عالی چه پیامدهایی (اشتغال، نهاد خانواده، موقعیت و پایگاه اجتماعی زنان) برای جامعه به دنبال خواهد داشت.

ادبیات و پیشینه‌ی پژوهش

پیامدهای افزایش مشارکت زنان در آموزش عالی، بر نظام خانواده، نظام آموزش عالی، مقوله‌ی اشتغال و پایگاه و موقعیت اجتماعی زنان را می‌توان، با استفاده از نظریه‌ها و تئوری‌های مختلفی مورد بررسی و تبیین قرار داد؛ این نظریه‌ها شامل دیدگاه و نظریات کارکردگرایان، نظریه‌های مربوط به روانشناسی اجتماعی، نظریه‌های اشتغال، دیدگاه‌ها و نظرات اسلام و نظریه‌های فرصت برابر و.... می‌باشد.

یکی از پیامدهای احتمالی این پدیده، ارتقاء پایگاه و موقعیت اجتماعی زنان است (ریتزر، ۱۳۸۳، ص ۳۰۴) برخی از نمادها و شاخص‌های منزلت را شامل درآمد، شغل، میزان تحصیلات، قدرت اجتماعی، مفید بودن و می‌داند. با ترکیب شاخص‌های یاد شده و نظریه مزلو می‌توان گفت زنان ضمن داشتن انگیزه‌های اقتصادی و رسیدن به ایمنی و آرامش نیازمند احترام و توجه نیز هستند و در این مسیر ضمن بهبود پایگاه و موقعیت اجتماعی خود، به تقویت روحیه‌ی خودباوری، اعتماد به نفس و افزایش منزلت اجتماعی می‌پردازند و با دستیابی به کانون‌های قدرت، زمینه رفع تبعیض و بی‌عدالتی‌های گذشته را نیز در مورد خود فراهم می‌نمایند، لذا افزایش سطح تحصیلات زنان، چه به عنوان یک عامل اثرگذار مستقیم و چه به عنوان عامل مؤثر بر سایر شاخص‌ها و نمادهای منزلتی، می‌تواند در ارتقاء پایگاه و موقعیت اجتماعی آنان مؤثر باشد. همچنین گیدنز (۱۳۸۴، ص ۵۹) معتقد است، منابع قدرت در جوامع امروزی، اقتدار و اختیارات قانونی است، که منشاء آن بهره‌مندی از دانش و آگاهی و مهارت‌های حرفه‌ای و مشاغل است. در همین راستا انتظار می‌رود، افزایش سطح تحصیلات و تعداد زنان تحصیلکرده و افزایش توانایی‌ها و مهارت‌های آنان باعث حضور بیشتر زنان در مشاغل و نقش‌های حساس و کلیدی جامعه و مشارکت بیشتر آنان در مسایل سیاسی- اجتماعی و تصمیم‌گیری‌های کلان جامعه گردد.

کارکردگرایان یکی از کارکردهای اساسی خانواده را پاسخگویی به نیازهای اقتصادی اعضای خانواده بخصوص زنان می‌دانند. با افزایش میزان تحصیلات زنان و اشتغال آنها در بیرون از خانه که موجب افزایش درآمد و به وجود آمدن استقلال نسبی برای آنان می‌گردد، الگوی سنتی "مرد تنها نان آور خانواده" تغییر کرده و این امر موجب کاهش و یا از بین رفتن کارکرد اقتصادی خانواده می‌شود؛ لذا زنان تحصیلکرده تمایل کمتری به ازدواج نشان داده، سن ازدواج آنان افزایش یافته و از این گروه، زنانی هم که ازدواج کرده‌اند، بیشتر در معرض طلاق قرار می‌گیرند. آمارهای منتشر شده توسط مرکز آمار ایران نیز این امر را تأیید می‌کند.

یکی دیگر از پیامدهای قابل پیش‌بینی برای این پدیده کاهش میزان باروری است؛ سازمان علمی و فرهنگی ملل متحد (یونسکو^۱، ۱۹۹۶، صص ۳۹۸-۳۹۵) مهمترین عامل در ایجاد تغییر و دگرگونی در نگرش‌ها و رویکردهای زنان نسبت به باروری را آموزش و تحصیلات آنان دانسته است. آمارهای مرکز آمار ایران نیز موید این موضوع است. هر فرد بر حسب موقعیت خویش در گروه و جامعه، باید الگوی عملی خاصی را رعایت کند که به آن نقش می‌گویند و مجموعه‌ی حقوق و تکالیف هر نقش را «انتظارات نقش» گویند؛ از ویژگی‌های جوامع صنعتی امروز وجود نقش‌های متعدد برای یک فرد است، در این‌گونه جوامع از افراد انتظار می‌رود که به الزامات بیش از یک نقش پاسخ گویند و بسیار پیش می‌آید که افراد در ایفای نقش‌هایی که با هم در تعارض هستند، دچار فشارهای شدید روحی، اختلال فکری و بی‌نظمی می‌شوند، چنین حالتی را تعارض نقش می‌گویند. از جمله گروه‌هایی که در جوامع امروزی بیشتر دچار تعارض نقش می‌شوند، زنان شاغل هستند؛ اشتغال زنان در خارج از خانه، تأثیر جدی بر نقش آنان در خانواده گذاشته و باعث تعدد و تنوع نقش‌های آنان می‌گردد. اگر زن تاکنون به عنوان همسر و مادر ایفای نقش می‌کرد، ورود وی به بازار کار نقش‌های جدیدی را به عهده او خواهد گذاشت. ساروخانی (۱۳۸۴، ص ۸۵) در این زمینه می‌نویسد: «گرایش زن به سوی اشتغال، بیش از همه بر خانواده اثر می‌نهد و روابط زن و شوهر و فرزندان را

دگرگون می‌سازد. همچنین تحقیقات (کینگ و هیل^۱، ۱۳۷۶، ص ۵۲) نشان می‌دهد که موفقیت و پیشرفت تحصیلی فرزندان با تحصیلات مادران آنها همبستگی مثبت دارد. تحقیقات (شولتز^۲، ۱۳۷۶، ص ۱۲۱) تأثیر سطح آموزش مادران در سلامتی فرزندان را نشان می‌دهد، شولتز به نقل از آمارهای منتشر شده توسط سازمان ملل می‌نویسد: «در آفریقا، آمریکای لاتین و آسیا زنانی که هفت سال یا بیشتر دانش آموخته‌اند حدود ۷ تا ۸ ماه کمتر از زنان بیسواد به بچه‌های خود شیر می‌دهند».

در زمینه‌ی اشتغال، توسلی (۱۳۸۲، ص ۱۸۷) می‌نویسد: «به نظر اقتصاددانان کلاسیک پدیده‌ی اشتغال دارای سه جنبه‌ی فنی، اقتصادی و اجتماعی است». از جنبه‌ی فنی با افزایش توانایی‌ها و مهارت‌های زنان تحصیل‌کرده کارایی و اثربخشی زنان افزایش یافته و میزان اشتغال زنان نیز بایستی افزایش یابد، اما جنبه‌ی اجتماعی اشتغال (شامل اعتقادات، ویژگی‌های فرهنگی و سنتی، آداب و رسوم و...) باعث می‌شود، میزان اشتغال زنان در کشور ما در مقایسه با بسیاری از کشورها در حد نسبتاً پایینی قرار گیرد، نتایج تحقیقات نوروزی و اعلمی (۱۳۸۴) نشان می‌دهد میزان بیکاری زنان در فاصله سال‌های ۸۰-۱۳۷۵ یعنی در مدت پنج سال پنج برابر افزایش یافته است، در همین زمینه شجاعی (۱۳۸۲، ص ۱۱) معتقد است که تا سال ۱۳۸۵ تعداد زنان و مردان متقاضی کار برابر می‌شود. همچنین نتایج تحقیقات بهمن‌پور (۱۳۷۹) نشان داد، بین افزایش سطح تحصیلات و اشتغال زنان همبستگی مثبت وجود دارد. در خصوص تنگ‌تر شدن عرصه‌ی کار و اشتغال برای مردان نتایج تحقیقات بیابانی (۱۳۸۴) نشان می‌دهد، با افزایش تحصیلات زنان میزان مشارکت آنان در بازار کار از دهه‌ی ۶۰ تا ۱۳۸۰ تغییر ۵۰ درصدی را نشان می‌دهد، در صورتی که طی همین مدت میزان مشارکت مردان ۱۰ درصد کاهش یافته، بنابراین در ساختار نیروی کار می‌توان یک تحول ساختاری را در میزان مشارکت زنان نسبت به مردان طی سال‌های آینده را پیش‌بینی کرد.

1 - King & Hill

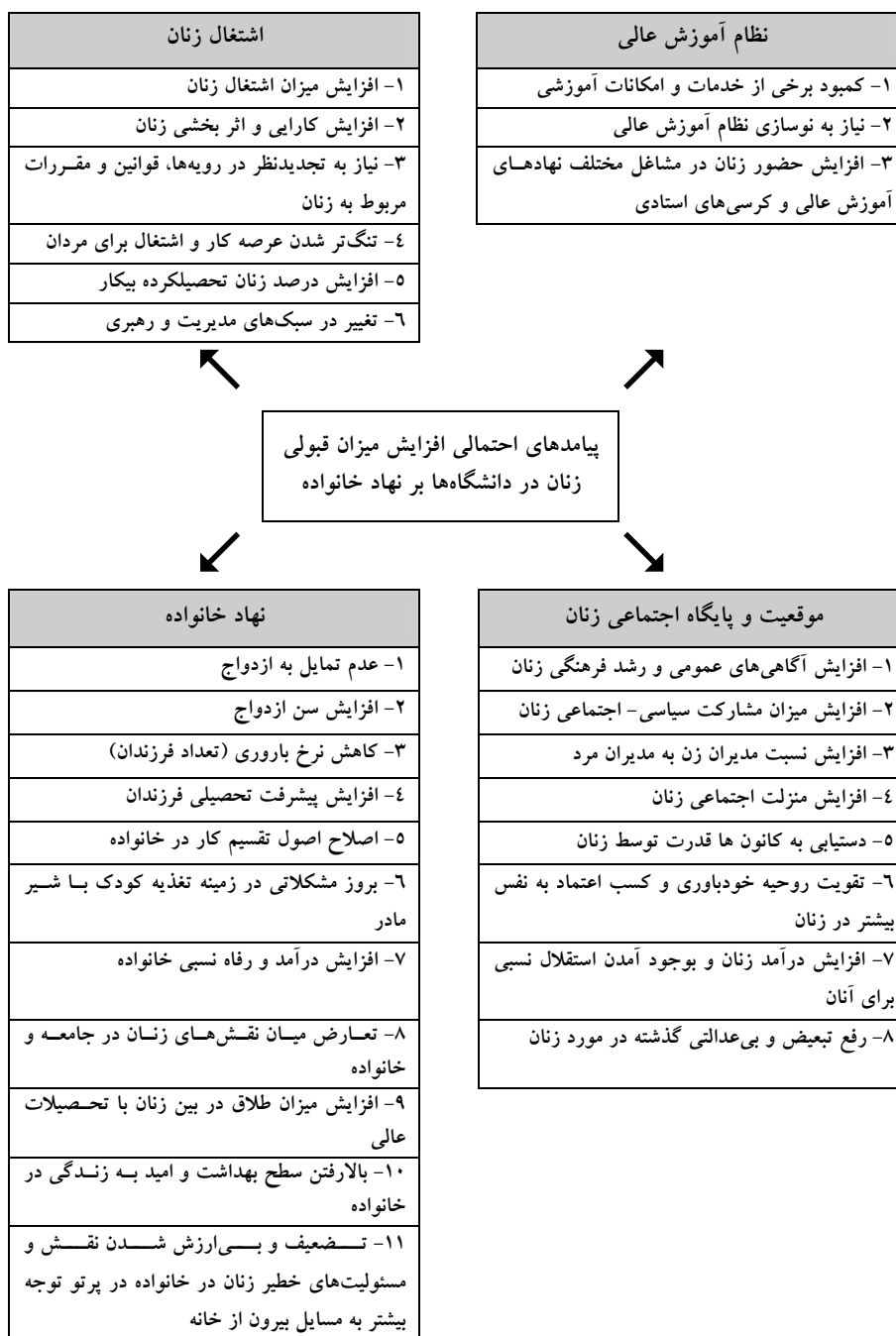
2 - Schultz

افزایش تعداد مدیران زن می‌تواند، در سبک‌های مدیریت و رهبری موجود در سازمان‌ها، تغییراتی ایجاد نماید، در این زمینه گرو^۱ و مونتگمری^۲ (۲۰۰۲، ص ۴) می‌نویسند: زنان و مردان شیوه‌های رهبری متفاوتی دارند، این تفاوت‌ها ممکن است، به این دلیل باشد که مردان به رهبری به عنوان هدایت‌گری می‌نگرند، در حالی که زنان به عنوان تسهیل‌کننده به آن نگاه می‌کنند، هر چند مدیران مرد و زن در حین انجام دادن وظیفه‌ی خود کارهای مشابه و یکسان زیادی را انجام می‌دهند، اما تأکید آنها بر جنبه‌های متفاوتی از آن کار می‌باشد؛ زنان بر روابط و تقسیم کار و مراحل انجام گرفتن کار اهمیت می‌دهند، در صورتی که مردان بر انجام دادن کار به صورت کامل، رسیدن به هدف، ذخیره‌سازی اطلاعات و پیروزی تأکید دارند، مردان در موقعیت‌های رهبری تمایل دارند که از قبل به راهنمایی بپردازند و کوشش می‌کنند که همه‌ی جواب‌ها را برای زیردستانشان فراهم سازند و زنان بر رهبری‌های تسهیل‌کننده تکیه می‌کنند، آنان سعی دارند از طریق اختیار دادن، تشویق کردن و ترغیب از پشت سر به رهبری بپردازند. با توجه به آنچه که در طرح مسأله و چارچوب نظری تحقیق بیان شد، پیامدهای احتمالی این پدیده در نمودار (۲) ارائه شده است.

همان‌گونه که پیش‌تر گفتیم هدف از پژوهش حاضر، بررسی پیامدهای احتمالی افزایش میزان حضور زنان در آموزش عالی در ۴ زمینه‌ی نظام آموزش عالی، نهاد خانواده، اشتغال، و موقعیت و پایگاه اجتماعی زنان است که از دید صاحب نظران و محققان بیشترین تاثیرپذیری را از افزایش سطح تحصیلات زنان دارند.

1 - Grove

2 - Montgomery



نمودار ۲. مهمترین پیامدهای احتمالی ناشی از افزایش قبولی زنان در دانشگاه‌ها

پرسش‌های پژوهش

۱. پیامدهای ناشی از افزایش قبولی دختران در نظام آموزش عالی کشور چیست؟
۲. پیامدهای ناشی از افزایش قبولی دختران در مقوله اشتغال زنان چیست؟
۳. پیامدهای ناشی از افزایش قبولی دختران در نهاد خانواده چیست؟
۴. پیامدهای ناشی از افزایش قبولی دختران در بالا بردن موقعیت و پایگاه اجتماعی زنان چیست؟

روش‌شناسی تحقیق

روش تحقیق

روش مورد استفاده در این پژوهش با توجه به ماهیت موضوع و اهداف موردنظر، روش تحقیق توصیفی-پیمایشی و جامعه آماری آن اعضای هیأت علمی دانشگاه اصفهان بوده است. نمونه‌ی آماری آن دارای ۱۲۵ عضو (شامل ۱۱۲ نفر مرد و ۱۳ نفر زن) بوده که به روش نمونه‌گیری تصادفی چند مرحله‌ای انتخاب شدند. برای انجام دادن این روش، در مرحله‌ی نخست از میان ۸ دانشکده‌ی موجود؛ ۴ دانشکده به صورت تصادفی انتخاب، سپس اعضای نمونه از بین گروه‌های آموزشی دانشکده‌های مورد نظر به صورت طبقه‌ای تصادفی (برحسب جنسیت و سهم هر گروه) انتخاب شدند.

روش جمع‌آوری اطلاعات

برای جمع‌آوری اطلاعات از دو روش کمی (پرسشنامه محقق ساخته) با ۲۸ سؤال بسته پاسخ و با پایایی ۰/۹۱ و روش کیفی (مصاحبه‌ی نیمه سازمان یافته) استفاده گردیده است.

روش تجزیه و تحلیل داده‌ها

در این پژوهش برای تجزیه و تحلیل داده‌های حاصله، از آزمون‌های t تک متغیره، آزمون دو جمله‌ای و T^2 هتلینگ استفاده گردید.

توصیف یافته‌ها

برای تعیین معناداری میانگین نمره‌ی هر یک از مولفه‌های پژوهش، از آزمون t تک متغیره استفاده شد، نتایج آزمون در جدول ذیل ارائه شده است.

جدول ۲. مقایسه میانگین نمره مولفه‌های پژوهش از طریق آزمون t تک متغیره

مولفه‌های پژوهشی	\bar{X}	S	Se	t
نظام آموزش عالی	۳/۱۶	۰/۶۴۸	۰/۰۵۹	۲/۷۴۷
اشتغال زنان	۳/۴۵	۰/۵۰۴	۰/۰۴۶	۹/۸۱۴
نهاد خانواده	۳/۲۳	۰/۶۰۰	۰/۰۵۵	۴/۱۱۷
بالا بردن موقعیت و پایگاه اجتماعی زنان	۳/۷۶	۰/۶۳۱	۰/۰۵۸	۱۳/۲۰۵

با توجه به این که t مشاهده شده، برای تمامی مولفه‌های پژوهش در سطح $p \leq ۰/۰۱$ معنادار بوده، لذا پیامدهای ناشی از افزایش میزان قبولی زنان در دانشگاه‌ها بر مولفه‌های پژوهش، بیش از حد متوسط است.

مقایسه‌ی میانگین نمره‌ی مولفه‌های پژوهش با یکدیگر

به منظور تعیین میزان تأثیر افزایش قبولی دختران در دانشگاه‌ها، بر روی هر یک از مولفه‌های پژوهش از آزمون T^2 هتلینگ استفاده شد، نتایج آزمون در جدول ذیل ارائه شده است.

جدول ۳. مقایسه‌ی میانگین نمره‌ی مولفه‌های پژوهشی با یکدیگر

مولفه‌های پژوهشی	\bar{X}	S	
نظام آموزش عالی	۳/۱۶	۰/۶۴۷	$T^2 = ۱۰۱/۶۰۳$
اشتغال زنان	۳/۴۵	۰/۵۰۳	$F = ۲۹/۳۳$
نهاد خانواده	۳/۲۲	۰/۵۹۹	$p = ۰/۰۰۰$
موقعیت و پایگاه اجتماعی زنان	۳/۷۶	۰/۶۳۱	

با توجه به این که F مشاهده شده در سطح $p \leq 0/01$ معنی دار بوده، بنابراین تأثیر افزایش میزان قبولی دختران در دانشگاه‌ها بر روی هر یک از مولفه‌های پژوهش یکسان نبوده و بیشترین میزان تأثیر بر موقعیت و پایگاه اجتماعی زنان با میانگین $3/76$ و کمترین تأثیر بر نظام آموزش عالی با میانگین $3/16$ می‌باشد.

سؤال اول پژوهش

پیامدهای ناشی از افزایش قبولی دختران در نظام آموزش عالی کشور چیست؟

جدول ۴. پیامدهای ناشی از افزایش قبولی دختران در نظام آموزش عالی

نتیجه	Sig	احتمال مشاهده شده		گویه مورد نظر
با توجه به نتیجه آزمون دو جمله‌ای در سطح $p \leq 0/05$ معنادار نبوده است.	0/083	70 50	≤ 3 > 3	۱- کمبود برخی از خدمات و امکانات آموزشی ویژه که بر اساس جنسیت سازماندهی شده‌اند مانند فضاهای آموزشی و خوابگاهی و ...
با توجه به نتیجه آزمون دو جمله‌ای در سطح $p \leq 0/05$ معنادار نبوده است.	0/411	55 65	≤ 3 > 3	۲- نیاز به نوسازی نظام و ساختارهای آموزشی برای برآوردن نیازهای آموزشی زنان
با توجه به نتیجه آزمون دو جمله‌ای در سطح $p \leq 0/05$ معنادار بوده است و با توجه به احتمال مشاهده شده بیشتر از حد متوسط مورد تأیید قرار گرفت.	0/003	43 77	≤ 3 > 3	۳- افزایش حضور زنان در مشاغل مختلف نهادهای آموزش عالی و کرسی‌های استادی

نتایج حاصل از آزمون دو جمله‌ای در خصوص پیامدهای مرتبط با آموزش عالی جدول (۴) نشان داد: نظرات پاسخگویان در خصوص گزینه‌ی ۱ «کمبود برخی از خدمات و امکانات آموزشی ویژه که بر اساس جنسیت سازماندهی شده‌اند، مانند فضاهای آموزشی و خوابگاهی و ...» و گزینه ۲ «نیاز به نوسازی نظام و ساختارهای آموزشی برای برآوردن نیازهای آموزشی زنان» در سطح $0/05$ تفاوت معناداری را نشان نمی‌دهند، ولی در خصوص گزینه ۳ «افزایش

حضور زنان در مشاغل مختلف نهادهای آموزش عالی و کرسی‌های استادی، بیش از حد متوسط می‌باشد. بنابراین با توجه به نتایج یاد شده تنها پیامد افزایش تعداد دانشجویان دختر در دانشگاه‌ها از نظر پاسخگویان به پرسشنامه در زمینه نظام آموزش عالی کشور: افزایش حضور زنان در مشاغل مختلف نهادهای آموزش عالی و کرسی‌های استادی خواهد بود.

سؤال دوم پژوهش

پیامدهای ناشی از افزایش قبولی دختران در مقوله‌ی اشتغال زنان چیست؟

۱. افزایش نسبت زنان تحصیل کرده‌ی شاغل.
 ۲. افزایش کارایی و اثر بخشی زنان در انجام دادن وظایف و مسئولیت‌های شغلی.
- نتایج حاصل از آزمون دو جمله‌ای نشان داد: از نظر پاسخگویان به پرسشنامه، تأثیر افزایش قبولی دختران در دانشگاه‌ها در مقوله‌ی اشتغال زنان برگزیده‌های ۴، ۵، ۷، ۸، ۹ در سطح $p \leq 0/05$ معنادار بوده است، اما از نظر پاسخگویان گزینه ۶ در سطح $0/05 \leq p$ معنادار نبوده است.
- با توجه به توضیحات یاد شده پیامدهای افزایش تعداد دانشجویان دختر و سطح تحصیلات زنان بر مقوله‌ی اشتغال زنان، از نظر پاسخگویان به شرح ذیل می‌باشد:
- ۳- تنگ تر شدن عرصه‌ی کار و اشتغال برای مردان
 - ۴- افزایش درصد زنان تحصیل کرده‌ی بیکار
 - ۵- تغییر در سبک‌های مدیریت و رهبری در سازمان‌ها به دلیل افزایش تعداد مدیران زن

سؤال سوم پژوهش

پیامدهای ناشی از افزایش قبولی دختران در نهاد خانواده چیست؟

جدول ۵. پیامدهای ناشی از افزایش قبولی دختران در مقوله‌ی اشتغال زنان

نتیجه	Sig	احتمال مشاهده شده		گویه‌ی موردنظر
با توجه به نتیجه‌ی آزمون دو جمله‌ای در سطح $p \leq 0/05$ معنادار بوده است و با توجه به احتمال مشاهده شده بیشتر از حد متوسط مورد تأیید قرار گرفت	۰/۰۰۰	۲۰ ۱۰۰	≤ 3 > 3	۴- افزایش نسبت زنان تحصیلکرده‌ی شاغل
با توجه به نتیجه‌ی آزمون دو جمله‌ای در سطح $p \leq 0/05$ معنادار بوده است و با توجه به احتمال مشاهده شده بیشتر از حد متوسط مورد تأیید قرار گرفت	۰/۰۰۸	۴۵ ۷۵	≤ 3 > 3	۵- افزایش کارایی و اثربخشی زنان در انجام دادن وظایف و مسئولیت‌های شغلی
با توجه به نتیجه‌ی آزمون دو جمله‌ای در سطح $p \leq 0/05$ معنادار نبوده است	۰/۶۴۸	۶۳ ۵۷	≤ 3 > 3	۶- نیاز به تجدید نظر در رویه‌ها، قوانین و مقررات استخدام، انتصاب و ترفیع کارکنان سازمان‌ها
با توجه به نتیجه‌ی آزمون دو جمله‌ای در سطح $p \leq 0/05$ معنادار بوده است و با توجه به احتمال مشاهده شده بیشتر از حد متوسط مورد تأیید قرار گرفت	۰/۰۳۶	۷۲ ۴۸	≤ 3 > 3	۷- تنگ‌تر شدن عرصه‌ی کار و اشتغال برای مردان
با توجه به نتیجه‌ی آزمون دو جمله‌ای در سطح $p \leq 0/05$ معنادار بوده است و با توجه به احتمال مشاهده شده بیشتر از حد متوسط مورد تأیید قرار گرفت	۰/۰۰۰	۳۵ ۸۵	≤ 3 > 3	۸- افزایش درصد زنان تحصیلکرده‌ی بیکار
با توجه به نتیجه‌ی آزمون دو جمله‌ای در سطح $p \leq 0/05$ معنادار بوده است و با توجه به احتمال مشاهده شده بیشتر از حد متوسط مورد تأیید قرار گرفت	۰/۰۰۵	۷۶ ۴۴	≤ 3 > 3	۹- تغییر در سبک‌های مدیریت و رهبری در سازمان‌ها به دلیل افزایش تعداد مدیران زن

جدول ۶. پیامدهای ناشی از افزایش قبولی دختران در نهاد خانواده

نتیجه	Sig	احتمال مشاهده شده		گویی مورد نظر
		≤ 3	> 3	
با توجه به نتیجه‌ی آزمون دو جمله‌ای در سطح $p \leq 0/05$ معنادار نبوده است	0/121	69 51	≤ 3 > 3	۱۰- عدم تمایل به ازدواج
با توجه به نتیجه‌ی آزمون دو جمله‌ای در سطح $p \leq 0/05$ معنادار بوده است و با توجه به احتمال مشاهده شده بیشتر از حد متوسط مورد تایید قرار گرفت	0/000	25 95	≤ 3 > 3	۱۱- افزایش سن ازدواج دختران
با توجه به نتیجه‌ی آزمون دو جمله‌ای در سطح $p \leq 0/05$ معنادار بوده است و با توجه به احتمال مشاهده شده بیشتر از حد متوسط مورد تایید قرار گرفت	0/036	48 72	≤ 3 > 3	۱۲- کاهش میزان باروری (تعداد فرزندان)
با توجه به نتیجه‌ی آزمون دو جمله‌ای در سطح $p \leq 0/05$ معنادار بوده است و با توجه به احتمال مشاهده شده بیشتر از حد متوسط مورد تایید قرار گرفت	0/000	39 81	≤ 3 > 3	۱۳- افزایش پیشرفت تحصیلی فرزندان
با توجه به نتیجه‌ی آزمون دو جمله‌ای در سطح $p \leq 0/05$ معنادار نبوده است	0/411	65 55	≤ 3 > 3	۱۴- اصلاح اصول تقسیم کار در خانواده
با توجه به نتیجه‌ی آزمون دو جمله‌ای در سطح $p \leq 0/05$ معنادار بوده است و با توجه به احتمال مشاهده شده بیشتر از حد متوسط مورد تایید قرار گرفت.	0/022	73 47	≤ 3 > 3	۱۵- تضعیف و بی ارزش شدن نقش و مسئولیت‌های خطیر زنان در خانواده در پرتو توجه بیشتر به مسائل بیرون از خانه
با توجه به نتیجه‌ی آزمون دو جمله‌ای در سطح $p \leq 0/05$ معنادار بوده است و با توجه به احتمال مشاهده شده بیشتر از حد متوسط مورد تایید قرار گرفت.	0/022	47 73	≤ 3 > 3	۱۶- بالا رفتن سطح بهداشت و امید به زندگی در خانواده
با توجه به نتیجه‌ی آزمون دو جمله‌ای در سطح $p \leq 0/05$ معنادار نبوده است.	0/121	69 51	≤ 3 > 3	۱۷- بروز مشکلاتی در زمینه‌ی تغذیه‌ی کودکان با شیر مادر و سلامتی آنان
با توجه به نتیجه‌ی آزمون دو جمله‌ای در سطح $p \leq 0/05$ معنادار نبوده است.	0/648	63 57	≤ 3 > 3	۱۸- تعارض میان نقش‌های مختلف زنان در خانواده و جامعه
با توجه به نتیجه‌ی آزمون دو جمله‌ای در سطح $p \leq 0/05$ معنادار نبوده است.	0/121	69 51	≤ 3 > 3	۱۹- افزایش درآمد و رفاه نسبی خانواده
با توجه به نتیجه‌ی آزمون دو جمله‌ای در سطح $p \leq 0/05$ معنادار نبوده است.	0/927	61 59	≤ 3 > 3	۲۰- افزایش میزان طلاق در بین زنان با تحصیلات عالی

نتایج حاصل از آزمون دو جمله ای نشان داد: از نظر پاسخگویان به پرسشنامه، تاثیر افزایش قبولی دختران در دانشگاه‌ها در خصوص پیامدهای مرتبط با خانواده برگزیده‌های ۱۱، ۱۲، ۱۳، ۱۵، ۱۶ در سطح $p \leq 0/05$ معنادار بوده است، اما از نظر آنان گزینه‌های ۱۴، ۱۷، ۱۸، ۱۹، ۲۰ در سطح $p \leq 0/05$ معنادار نبوده است.

با توجه به توضیحات بالا پیامدهای افزایش تعداد دانشجویان دختر و تاثیر سطح تحصیلات زنان بر نهاد خانواده از نظر پاسخگویان به شرح ذیل می‌باشد:

۱. افزایش سن ازدواج دختران.
۲. کاهش میزان باروری (تعداد فرزندان).
۳. افزایش پیشرفت تحصیلی فرزندان.
۴. بالا رفتن سطح بهداشت و امید به زندگی در خانواده.
۵. تضعیف و بی ارزش شدن نقش و مسئولیت‌های خطیر زنان در خانواده در پرتو توجه بیشتر به مسائل بیرون از خانه.

سؤال چهارم پژوهش

پیامدهای ناشی از افزایش قبولی دختران در بالا بردن موقعیت و پایگاه اجتماعی زنان چیست؟

نتایج حاصل از آزمون دو جمله‌ای در خصوص پیامدهای مرتبط با موقعیت و پایگاه اجتماعی زنان نشان داد: از نظر پاسخگویان به پرسشنامه، تاثیر افزایش قبولی دختران در دانشگاه‌ها، برگزیده‌های ۲۱، ۲۲، ۲۴، ۲۵، ۲۶ در سطح $p \leq 0/05$ معنادار بوده است، اما از نظر آنان گزینه‌های ۲۳، ۲۷، ۲۸ در سطح $p \leq 0/05$ معنادار نبوده است.

لذا با توجه به نتایج یاد شده پیامدهای افزایش تعداد دانشجویان دختر و تاثیر سطح تحصیلات زنان در بالا بردن موقعیت و پایگاه اجتماعی آنان از نظر پاسخگویان به شرح ذیل می‌باشد:

- ۱- افزایش آگاهی‌های عمومی و رشد فرهنگی زنان
- ۲- افزایش میزان مشارکت سیاسی - اجتماعی زنان
- ۳- تقویت روحیه خود باوری و کسب اعتماد به نفس بیشتر در زنان
- ۴- افزایش منزلت اجتماعی زنان
- ۵- دستیابی به کانون‌های قدرت توسط زنان

جدول ۷. پیامدهای ناشی از افزایش قبولی دختران در بالا بردن موقعیت و پایگاه اجتماعی زنان

گویه‌ی مورد نظر	احتمال مشاهده شده	Sig	نتیجه
۲۱- افزایش آگاهی‌های عمومی و رشد فرهنگی زنان	۲۰ ۱۰۰ ≤۳ >۳	۰/۰۰۰	با توجه به نتیجه‌ی آزمون دو جمله‌ای در سطح $p \leq ۰/۰۵$ معنادار بوده است و با توجه به احتمال مشاهده شده بیشتر از حد متوسط مورد تایید قرار گرفت
۲۲- افزایش میزان مشارکت سیاسی- اجتماعی زنان	۳۷ ۸۳ ≤۳ >۳	۰/۰۰۰	با توجه به نتیجه‌ی آزمون دو جمله‌ای در سطح $p \leq ۰/۰۵$ معنادار بوده است و با توجه به احتمال مشاهده شده بیشتر از حد متوسط مورد تایید قرار گرفت
۲۳- افزایش درآمد زنان و به وجود آمدن استقلال نسبی برای آنان	۵۰ ۷۰ ≤۳ >۳	۰/۰۸۳	با توجه به نتیجه‌ی آزمون دو جمله‌ای در سطح $p \leq ۰/۰۵$ معنادار نبوده است
۲۴- تقویت روحیه خودبآوری و کسب اعتماد به نفس بیشتر در زنان	۲۵ ۹۵ ≤۳ >۳	۰/۰۰۰	با توجه به نتیجه‌ی آزمون دو جمله‌ای در سطح $p \leq ۰/۰۵$ معنادار بوده است و با توجه به احتمال مشاهده شده بیشتر از حد متوسط مورد تایید قرار گرفت
۲۵- افزایش منزلت اجتماعی زنان	۳۲ ۸۸ ≤۳ >۳	۰/۰۰۰	با توجه به نتیجه‌ی آزمون دو جمله‌ای در سطح $p \leq ۰/۰۵$ معنادار بوده است و با توجه به احتمال مشاهده شده بیشتر از حد متوسط مورد تایید قرار گرفت
۲۶- دستیابی به کانون‌های قدرت توسط زنان	۷۷ ۴۳ ≤۳ >۳	۰/۰۰۳	با توجه به نتیجه‌ی آزمون دو جمله‌ای در سطح $p \leq ۰/۰۵$ معنادار بوده است و با توجه به احتمال مشاهده شده بیشتر از حد متوسط مورد تایید قرار گرفت
۲۷- افزایش نسبت مدیران زن به مدیران مرد	۶۸ ۵۲ ≤۳ >۳	۰/۱۷۱	با توجه به نتیجه‌ی آزمون دو جمله‌ای در سطح $p \leq ۰/۰۵$ معنادار نبوده است
۲۸- رفع تبعیض و بی‌عدالتی‌های گذشته در مورد زنان	۴۹ ۷۱ ≤۳ >۳	۰/۰۵۵	با توجه به نتیجه‌ی آزمون دو جمله‌ای در سطح $p \leq ۰/۰۵$ معنادار نبوده است

بحث و نتیجه‌گیری

همان‌گونه که پیش از این گفته شد، رشد چشمگیر حضور زنان در سطوح مختلف آموزش عالی در ایران و افزایش پذیرش دانشجویان دختر در دانشگاه‌ها به بیش از ۶۰ درصد و بالاتر از آن در برخی از سال‌های دهه ۱۳۷۰ موضوعی است که توجه بسیاری از صاحب‌نظران را به خود معطوف داشته است، آنچه که اتفاق افتاده واقعیتی انکارناپذیر است که نمی‌توان از نتایج و پیامدهای آن چشم‌پوشی کرد، لذا در این پژوهش هدف ما بررسی نتایج و پیامدهای این پدیده در چهار زمینه‌ی، نظام آموزش عالی، مقوله اشتغال زنان، نهاد خانواده و موقعیت و پایگاه اجتماعی زنان بوده است.

پیامدهای ورود زنان برای نظام آموزش عالی

نتایج حاصل از آزمون دو جمله‌ای در جدول (۴) نشان داد: از نظر پاسخگویان به پرسشنامه، گزینه‌های ۱ و ۲ یعنی «کمبود برخی از خدمات و امکانات آموزشی ویژه که بر اساس جنسیت سازماندهی شده‌اند، مانند فضاهای آموزشی و خوابگاهی و ...» و «نیاز به نوسازی نظام و ساختارهای آموزشی برای برآوردن نیازهای آموزشی زنان» به عنوان یک پیامد برای افزایش میزان قبولی زنان در دانشگاه‌ها به حساب نمی‌آیند، در صورتی که نظر مصاحبه‌شوندگان در این موارد بر خلاف نظر پاسخگویان به پرسشنامه بوده و معتقد بودند:

۱- در بسیاری از دانشگاه‌ها مشکل کمبود فضا و خدمات آموزشی یاد شده محسوس است.

۲- نظام و ساختارهای آموزشی موجود نیاز به بازسازی و نوسازی دارد. همچنین این پاسخ با نظر نویسندگان گزارش «زنان و دروس دانشگاهی» که به مناسبت کنفرانس پکن در سال ۱۹۹۵ در خصوص ایجاد تغییر در دروس دانشگاهی تهیه شده بود؛ همخوانی ندارد.

اما از نظر پاسخگویان تأثیر افزایش تعداد دانشجویان دختر بر افزایش حضور زنان در مشاغل مختلف نهادهای آموزش عالی و کرسی‌های استادی بیش از حد متوسط بوده، که با نظر مصاحبه‌شوندگان همخوانی دارد.

پیامدهای مرتبط با اشتغال زنان

نتایج حاصل از آزمون دو جمله‌ای در جدول (۵) نشان داد: از نظر پاسخگویان به پرسشنامه گزینه ۴ «افزایش نسبت زنان تحصیلکرده شاغل» به عنوان یک پیامد برای افزایش میزان قبولی زنان در دانشگاه‌ها به حساب می‌آید، این پاسخ با داده‌های آماری مرکز آمار ایران و همچنین یافته‌های حاصل از مصاحبه همخوانی دارد. همچنین تأثیر افزایش سطح تحصیلات زنان بر گزینه ۵ «افزایش کارایی و اثر بخشی آنان در انجام وظایف و مسئولیت‌های شغلی» از نظر پاسخگویان به عنوان یک پیامد برای این پدیده مورد تأیید قرار گرفت که یافته‌های حاصل از مصاحبه نیز این پاسخ را تأیید می‌کنند. اما از نظر پاسخگویان گزینه ۶ «نیاز به تجدید نظر در رویه‌ها، قوانین و مقررات استخدام، انتصاب و ترفیع و ارتقاء کارکنان سازمان‌ها و موسسات» به عنوان یک پیامد برای این پدیده مورد تأیید قرار نگرفت، که این پاسخ با نظر اکثریت مصاحبه‌شوندگان همخوانی ندارد.

به نظر پاسخگویان گزینه ۷ «تنگ تر شدن عرصه کار و اشتغال برای مردان» و «کاهش تعداد مدیر و کارشناس در مشاغلی که الزاماً به شاغلان مرد نیاز دارند» به عنوان یک پیامد برای این پدیده مورد تأیید قرار گرفت، که نظر شجاعی (۱۳۸۲) درباره‌ی تعداد زنان متقاضی کار، نتایج تحقیقات ایمانی و مردیها (۱۳۸۱) در خصوص نسبت اشتغال زنان و مردان و تحقیقات بیابانی (۱۳۸۴) در خصوص وجود رابطه بین افزایش میزان مشارکت زنان در بازار کار با افزایش سطح تحصیلات آنان با هماهنگی داشته و آن را تأیید می‌نمایند. همچنین به نظر پاسخگویان تأثیر افزایش تعداد زنان تحصیلکرده بر «افزایش درصد زنان تحصیلکرده‌ی بیکار» بیش از حد متوسط است، که این پاسخ با جنبه‌ی اجتماعی نظریه‌ی اشتغال مطرح شده توسط اقتصاددانان کلاسیک، نظرات توسلی و داده‌های آماری مرکز آمار ایران و همچنین یافته‌های حاصل از مصاحبه همخوانی دارد و در نهایت از نظر پاسخگویان تأثیر افزایش تعداد زنان تحصیلکرده بر «تغییر در سبک‌های مدیریت و رهبری در سازمان‌ها به دلیل افزایش تعداد مدیران زن» بیش از حد متوسط است، که این یافته به وسیله‌ی نظرات گرو و مونتكمری (۲۰۰۲) در زمینه تفاوت در شیوه‌های رهبری زنان و مردان مورد تأیید قرار می‌گیرد.

پیامدهای مرتبط با نهاد خانواده

نتایج حاصل از آزمون دو جمله‌ای در جدول (۶) نشان داد: از نظر پاسخگویان به پرسشنامه، گزینه‌ی ۱۰ «عدم تمایل به ازدواج» به عنوان یک پیامد برای این پدیده مورد تأیید قرار نگرفت، این پاسخ با داده‌های آماری مرکز آمار ایران، که نشان می‌دهد، میزان تمایل به ازدواج در زنان با سواد حداقل به مراتب کمتر از زنان بی‌سواد است مغایرت دارد نتایج سرشماری ۱۳۷۵ نشان می‌دهد که حدود ۴۹ درصد زنان با سواد (۱۰ساله و بیشتر) حداقل یکبار ازدواج کرده‌اند، در حالی که این نسبت در بین زنان بی‌سواد حدود ۸۷ درصد بوده است. همچنین از نظر پاسخگویان تأثیر افزایش سطح تحصیلات زنان بر گزینه‌های ۱۱ و ۱۲ یعنی «افزایش سن ازدواج دختران» و «کاهش میزان باروری» بیش از حد متوسط ارزیابی گردیده که با نتایج آماری مرکز آمار ایران همخوانی دارد، نتایج سرشماری ۱۳۷۵ نشان می‌دهند، که بین سن ازدواج افراد با سواد و بی‌سواد حدود ۲ تا ۳ سال اختلاف وجود دارد، همچنین در صورتی که مقایسه‌ای در مورد تعداد فرزندان، در بین زنان شاغل و خانه‌دار شهری صورت گیرد، مشاهده می‌شود که تقریباً ۶۳ درصد زنان شاغل، فاقد فرزند و یا دارای یک یا حداکثر دو فرزند می‌باشند، در صورتی که فقط ۳۷ درصد زنان خانه‌دار چنین وضعیتی را دارند و بالعکس میزان زنان شاغلی که دارای بیش از ۵ فرزند می‌باشند، حدوداً ۱۱ درصد و زنان خانه‌دار دارای بیش از ۵ فرزند بیش از ۳۷ درصد از زنان این قشر را تشکیل می‌دهند.

از نظر پاسخگویان «افزایش پیشرفت تحصیلی فرزندان» بیش از حد متوسط اتفاق می‌افتد، که این پاسخ با نظر مصاحبه شونده‌گان همخوانی دارد. همچنین از نظر پاسخگویان افزایش سطح تحصیلات زنان در «بالا رفتن سطح بهداشت و امید به زندگی در خانواده» بیش از حد متوسط مؤثر است این نتیجه با نتایج تحقیقات روز نزویک و شولتز وهاینز و آوری در خصوص تأثیر افزایش سطح تحصیلات زنان بر کاهش مرگ و میر کودکان و تندرستی نوزادان همخوانی دارد، شولتز (۱۳۷۶) با استفاده از نتایج تحقیق روزنزویگ^۱ و شولتز می‌نویسد: «در پژوهشی در ایالات متحده تأثیر تحصیلات زنان بر وزن نوزاد از راه سنجش چهار معیار تندرستی که قبل از تولد محاسبه شده (سن، شباهت از لحاظ زایمان‌های پیشین، استعمال

دخانیات و مدت مراقبت‌های پیش از زایمان) اعلام گردیده است، در این مطالعه تأثیر آموزش مادر در سلامتی فرزند با نشان دادن تأثیر آموزش در بهره‌گیری از وسایل بهداشتی به خوبی نشان داده است. همچنین شولتز (۱۳۷۶؛ صص ۹۹-۹۸، به نقل از هاینز و آوری^۱) می‌نویسد: «آنها دریافتند که در کاستاریکا در شرایط یکسان، به ازای یکسال آموزش بیشتر مادران میزان مرگ و میر کودکان ۶ تا ۷ درصد کاهش می‌یابد».

اما از نظر پاسخگویان در خصوص تأثیر افزایش سطح تحصیلات زنان در تغذیه کودک با شیر مادر تفاوت معناداری مشاهده نشد، که این نتایج با آمارهای ارائه شده توسط سازمان ملل در خصوص رابطه‌ی بین میانگین مدت شیردهی و میزان تحصیلات مادران، همخوانی ندارد. از نظر پاسخگویان پیامدهای افزایش قبولی دختران در دانشگاه‌ها در خصوص «تضعیف انسجام خانواده (گسستگی روابط بین زن و شوهر و مادر و فرزندان)» نیز تفاوت معناداری مشاهده نشد، که این پاسخ با نظر مصاحبه‌شوندگان نیز همخوانی دارد.

همچنین از نظر پاسخگویان در خصوص افزایش میزان طلاق در بین زنان تحصیلکرده تفاوت معناداری مشاهده نشد، در صورتی که نتایج سرشماری ۱۳۷۵ نشان می‌دهند، که میزان طلاق در بین زنان دارای تحصیلات عالی در ایران تقریباً دو برابر سایر سطوح تحصیلی می‌باشد؛ همچنین مک ماهون^۲ (۱۳۸۰) در این زمینه می‌نویسد: «زنان دارای تحصیلات بالاتر بیشتر در معرض طلاق قرار دارند و همین امر موجبات عدم استفاده را برای شوهر و فرزندان‌شان فراهم می‌آورد و (میشل، ۱۳۷۲، ص ۱۲۶) می‌نویسد: «آمارها نشان می‌دهند که در کشورهای غربی هر چه میزان تحصیلات زنان بالا می‌رود، کمتر ازدواج کرده و بیشتر طلاق می‌گیرند».

از نظر پاسخگویان افزایش سطح تحصیلات زنان در «افزایش درآمد خانواده و افزایش رفاه نسبی برای خانواده» تفاوت معناداری به وجود نمی‌آورد، که این پاسخ با نظر مصاحبه‌شوندگان همخوانی ندارد. همچنین «اصلاح اصول تقسیم کار در خانواده» نیز تفاوت معناداری به وجود نمی‌آورد، که این پاسخ با نظر مصاحبه‌شوندگان همخوانی دارد.

1 - Haines and Avery

2 - Mc Mahon

از نظر پاسخگویان افزایش سطح تحصیلات زنان در «ایجاد تعارض میان نقش‌های مختلف زنان از جمله نقش زنان در خانواده و جامعه» تفاوت معناداری به وجود نمی‌آورد، در این زمینه اگر بپذیریم که درصد زیادی از زنان دارای تحصیلات عالی به کار بیرون از خانه روی می‌آورند، این امر می‌تواند، موجب بروز برخی از تعارضات در نقش‌های مختلف زنان در خانواده و جامعه گردد، (ساروخانی، ۱۳۸۴، ص ۸۵) در این زمینه معتقد است که گرایش زنان به اشتغال بیش از همه بر خانواده اثر می‌نهد؛ و روابط زن و شوهر و فرزندان را دگرگون می‌سازد. واقعیت این است که بزرگ‌ترین چالش زنان در عصر حاضر، ایجاد تعادل بین کار بیرون از خانه و مسائل خانه و خانواده است.

پیامدهای مرتبط با موقعیت و پایگاه اجتماعی زنان

نتایج حاصل از آزمون دو جمله‌ای در جدول (۷) نشان داد: از نظر پاسخگویان به پرسشنامه، تأثیر افزایش میزان قبولی دختران در دانشگاه‌ها بر گزینه‌های ۲۱ و ۲۲ یعنی «افزایش آگاهی‌های عمومی و رشد فرهنگی زنان» و «افزایش میزان مشارکت سیاسی-اجتماعی آنان» بیش از حد متوسط مؤثر است، که یافته‌های حاصل از مصاحبه نیز این پاسخ‌ها را تأیید می‌کند. اما از نظر پاسخگویان افزایش میزان قبولی دختران در دانشگاه‌ها و افزایش سطح تحصیلات زنان بر گزینه ۲۳ یعنی «افزایش درآمد زنان و به وجود آمدن استقلال نسبی برای آنان» تفاوت معناداری را به وجود نمی‌آورد، که این پاسخ با یافته‌های حاصل از مصاحبه همخوانی ندارد.

به نظر پاسخگویان افزایش میزان قبولی دختران در دانشگاه‌ها و افزایش سطح تحصیلات زنان بر گزینه‌های ۲۴ و ۲۵ یعنی «تقویت روحیه خود باوری و کسب اعتماد به نفس بیشتر در زنان» و «افزایش منزلت اجتماعی زنان» بیش از حد متوسط مؤثر است، که با یافته‌های حاصل از مصاحبه همخوانی دارد، این نتایج با نظریات ریتزر (۱۳۸۳) در مورد تأثیر سطح تحصیلات به عنوان یکی از نمادها و شاخص‌های منزلت و ترکیب شاخص‌های مذکور و نظریه مزلو مورد تأیید قرار می‌گیرد. از نظر پاسخگویان افزایش میزان قبولی دختران در دانشگاه‌ها و افزایش سطح تحصیلات زنان بر گزینه ۲۶ یعنی «دستیابی به کانون‌های قدرت که منجر به

افزایش نقش زنان در تصمیم‌گیری‌های کلان جامعه خواهد شد» نیز بیش از حد متوسط مؤثر است؛ این پاسخ با نظریات گیدنز (۱۳۸۴) که معتقد است، منابع قدرت در جوامع امروزی، اقتدار و اختیارات قانونی است که منشاء آن بهره‌مندی از دانش، آگاهی و مهارت‌های حرفه‌ای و مشاغل می‌باشد، و نیز با یافته‌های حاصل از مصاحبه همخوانی دارد.

به نظر پاسخگویان افزایش میزان قبولی دختران در دانشگاه‌ها و افزایش سطح تحصیلات زنان بر «افزایش نسبت مدیران زن به مدیران مرد» تفاوت معناداری را به وجود نمی‌آورد، این پاسخ با یافته‌های حاصل از مصاحبه نیز همخوانی دارد.

همچنین از نظر پاسخگویان افزایش میزان قبولی دختران در دانشگاه‌ها و افزایش سطح تحصیلات زنان بر «رفع تبعیض و بی‌عدالتی‌های گذشته در مورد زنان» تفاوت معناداری را به وجود نمی‌آورد، این پاسخ با یافته‌های حاصل از مصاحبه همخوانی دارد، افزایش سطح تحصیلات زنان و آگاهی‌های آنان نسبت به حقوق فردی و اجتماعی‌شان می‌تواند به عنوان یکی از عوامل مؤثر در رفع تبعیض و بی‌عدالتی‌ها گذشته قلمداد گردد.

منابع

فارسی

ایمانی، م. و مردیها، م. (۱۳۷۱). *بررسی پیامدهای افزایش زنان دانشجو*. در بررسی و تحلیل افزایش سهم زنان در آموزش عالی. تهران: دفتر برنامه‌ریزی اجتماعی و مطالعات فرهنگی وزارت علوم و تحقیقات و فناوری.

بیابانی، ج. (۱۳۸۴). بررسی علل و عوامل بیکاری فارغ‌التحصیلان دانشگاهی در چارچوب نظرات مرتبط با انواع بیکاری ساختار. در *مجموعه مقالات اولین همایش اشتغال و نظام آموزش عالی کشور* (صص ۲۴۸-۲۲۵). تهران: سازمان انتشارات جهاد دانشگاهی - جهاد دانشگاهی واحد تربیت مدرس.

توسلی، غ. (۱۳۸۲). *جامعه‌شناسی کار و شغل*. تهران: سمت.

ریتزر، ج. (۱۳۸۳). *نظریه‌های جامعه‌شناسی در دوران معاصر*. ترجمه محسن ثلاثی، تهران: انتشارات علمی.

ساروخانی، ب. (۱۳۸۴). *مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی خانواده*، تهران: سروش.

سازمان ملل متحد (۱۳۷۵). *سند چهارمین کنفرانس جهانی زن- کار پایه عمل و اعلامیه پکن*، مترجمان علی آرین و علی میرسعید قاضی. تهران: دفتر امور زنان در نهاد ریاست جمهوری.

شجاعی، ز. (۱۳۸۲ دی ماه). متن سخنرانی، *خبرنامه زنان*. ص ۱۱.
شولتز، پ. (۱۳۷۶). *بازده آموزش زنان*. در کینگ، ای. ام. و هیل، ام. ا. (گردآورندگان)، *نقش آموزش زنان در توسعه اقتصادی*. ترجمه‌ی غلامرضا آزاد، صص ۷۵-۱۲۴، تهران: روشنگران و مطالعات زنان.

کینگ، ای. ام. و هیل، ام. ا. (۱۳۷۶). *نگاهی به آموزش زنان در کشورهای در حال توسعه*. در کینگ، ای. ام. و هیل، ام. ا. (گردآورندگان)، *نقش آموزش زنان در توسعه اقتصادی*. ترجمه‌ی غلامرضا آزاد، صص ۷۴-۱۴. تهران: روشنگران و مطالعات زنان.
گیدنز، آ. (۱۳۸۴). *جامعه‌شناسی*. ترجمه‌ی منوچهر صبوری، چاپ پانزدهم، تهران: نی.
مرکز آمار ایران (۱۳۷۹). *ویژگی‌های اجتماعی-اقتصادی زنان در ایران ۷۵-۱۳۶۵*. تهران: مرکز آمار ایران.

مطهری، م. (۱۳۶۶). *نظام حقوق زن در اسلام*. تهران: صدرا.
نوروزی، ل و اعلمی، ز (۱۳۸۴). بررسی روند اشتغال فارغ‌التحصیلان نظام آموزش عالی با نگاه ویژه بر وضعیت زنان. *مجموعه مقالات اولین همایش اشتغال و نظام آموزش عالی کشور*، صص ۱۰۳-۸۳. تهران: سازمان انتشارات جهاد دانشگاهی- واحد تربیت مدرس.

میشل، آندره (۱۳۷۲). *جنس اجتماعی زنان*. ترجمه‌ی هما زنجانی‌زاده، مشهد: نیکا.

لاتین

UNESCO, (1996). *Element of Family Planning in Population Educations Programs. Family Planning, Health and Family Well-Being*. New York: United Nations.

Grove, R., & Montgomery, P. (2002). Women and the Leadership Paradigm: Bridging the Gender Gap, *National Forum of Educational Administration and Supervision Journal*, 17 (4), 38-46.